منهای فوتبال

قوی‌ترین پسر المپیک ایرانی است



در آخرین روز از رقابت‌های وزنه‌برداری المپیک جوانان، علیرضا یوسفی قهرمان شد تا عنوان قوی‌ترین پسر این مسابقات را به نام خود بزند. او مدال طلا را با مجموع ۳۸۰ کیلوگرم از آن خود کرد. یوسفی در این رویداد بسیار مهم هر ۶ حرکت خود را به درستی بالای سر برد. وی حرکت یک‌ضرب هر سه وزنه خود را به ثبت رساند و به ترتیب وزنه‌های ۱۵۰، ۱۵۶ و ۱۶۲ کیلوگرم را مهار کرد و در این حرکت دوم شد. هریستو هریستوف از بلغارستان با ثبت وزنه ۱۷۳ کیلوگرم در جایگاه نخست حرکت یک‌ضرب ایستاد. او در حرکت دوضرب دست به کار بزرگی زد و ابتدا وزنه ۲۰۲ کیلویی را بالای سر برد تا مدال خود را مسجل کند. سپس در دو حرکت پایانی این رقابت نفس‌گیر، حریف قدرتمند بلغارستانی خود را مغلوب کرد و با ثبت وزنه‌های ۲۱۱ و ۲۱۸ کیلوگرمی مدال طلا را از آن خود کرد. این مدال حسابی به اهالی وزنه‌برداری چسبید و فضای مجازی پر شد از ویدیوی مسابقه او. یوسفی پس از کسب مدال طلا عنوان کرد هدفش را روی المپیک ۲۰۲۴ گذاشته تا از حالا مدال این وزن را برای ایران تضمین کند.

رتبه ایزدیار به عنوان یک کشور

شاهین ایزدیار با کسب ۶ مدال طلا و یک نقره شنا در بازی‌های پاراآسیایی به عنوان یک پدیده مطرح شد. اما شاید برای تان جالب باشد که بدانید اگر شاهین ایزدیار را به عنوان یک کشور در این رویداد در نظر بگیریم، او چه رتبه‌ای در جدول نهایی به دست می‌آورد. او با مدال‌هایی که در جاکارتا گرفت می‌توانست از ۴۵ کشور حاضر در مسابقات بالاتر از ۳۲ کشور قرار بگیرد. کشور ویتنام با هشت طلا، هشت نقره و ۲۴ برنز در رده دوازدهم قرار دارد و ایزدیار با ۶ طلا و یک نقره بعد از ویتنام یعنی در رده سیزدهم و بالاتر از کشورهایی چون قزاقستان، چین‌تایپه، کره شمالی و تمامی کشورهای عرب قرار می‌گرفت.

استعفای محرمانه در وزارتخانه

طبق قانون روسای بازنشسته زمان زیادی تا تحویل مسندهای‌شان ندارند اما هنوز شاهدیم که برخی از آنها سماجت خاصی برای نگه داشتن صندلی‌های ریاست‌شان دارند. در این بین از وزارت ورزش خبر می‌رسد که چند رئیس فدراسیون استعفای خود را به وزارت ورزش برده‌اند. سیدمحمدشروین اسبقیان مدیر کل دفتر امور مشترک فدراسیون‌ها این خبر را اعلام کرد که استعفای چند رئیس به دست‌شان رسیده است. اما او نام این روسا را نگفت تا فعلا همه چیز محرمانه و در شک و گمان باقی بماند. طبق اعلام اسبقیان استراتژی وزارت ورزش این است که سرپرستان فدراسیون‌ها، تحت هیچ شرایطی کاندیدای ریاست نشوند و سرپرستان آن دسته از فدراسیون‌هایی که مشمول قانون منع به کارگیری بازنشستگان می‌شوند تا قبل از ۲۴ آبان که آخرین مهلت قانونی است، معرفی خواهند شد.

انتقاد غلامی در آنتن زنده

رفتن عادل غلامی از تیم ملی والیبال با یک درگیری در تمرین کلید خورد. جایی که ایگور کولاکوویچ، غلامی را به عنوان تنبیه از تیم بیرون کرد و پس از آن دیگر بازگشتی برای این والیبالیست در کار نبود. غلامی پس از این اتفاق چند باری به انتقاد از سرمربی پرداخت اما او این بار انتقاداتش را روی آنتن زنده نسبت به کولاکوویچ بر زبان آورد. وقتی غلامی به انتقاد از برنامه‌ریزی لیگ در سال ۹۷ و طولانی بودن آن می‌پرداخت، ناصر شفقی رئیس سازمان لیگ والیبال روی خط آمد و از دخالت ایگور در این برنامه‌ریزی صحبت کرد. غلامی در اینجا به انتقاد از کولاکوویچ پرداخت و گفت: «سرمربی تیم ملی در جایگاهی نیست که راجع به لیگ ایران نظر بدهد! اگر شما خیلی آدم محکمی بودید، به سرمربی تیم می‌گفتید بیاید و جواب مردم را بعد از آن نتایج بدهد. قرار به نظر دادن بود، او باید ابتدا پاسخ عملکرد خودش را بدهد.»

آن‌چه کارلوس می‌گوید و آن‌چه نمی‌گوید

جیب چهارم آقای کی‌روش!



آریا طاری

برانکو ایوانکوویچ این روزها دیگر هدف حمله‌های کارلوس کی‌روش نیست. شاید موفقیت‌های آسیایی این مربی، هجوم به مربی کروات را دشوار کرده و به همین خاطر، سرمربی پرتغالی هدف تازه‌ای را برای خودش در نظر گرفته است. او حالا سرگرم کنایه زدن به تیم ملی امید است و در مصاحبه‌ها، کرانچار و همکارانش را از دم تیغ می‌گذراند. از لحن صحبت‌های کارلوس، این طور پیداست که او خودش را «مالک» مرکز پک می‌داند و به خودش اجازه می‌دهد به تنهایی، در مورد همه مسائل مربوط به این مرکز «ملی» تصمیم بگیرد. این اختیار، چطور و چرا به کارلوس سپرده شده است؟ او به جای تصمیم گرفتن درباره پک، باید چه تصمیم‌هایی برای تیمش بگیرد و به چه سوال‌هایی پاسخ بدهد؟

سرمربی پرتغالی تیم ملی، بارها مرکز «پک» را به عنوان میراث دوران حضورش در فوتبال ایران معرفی کرده است. ادبیات او در مورد پک، شبیه ادبیات خیری است که خشت به خشت این مرکز را با هزینه شخصی خودش ساخته اما چه کسی نمی‌داند که او در این پروژه، نقشی بیشتر از یک «ناظر» نداشته و بیشتر از ساختن آن، در دکورهای مربوط به آن نقش ایفا کرده است. البته که این مرکز، پس از جدایی کی‌روش نیز در اختیار تیم ملی خواهد ماند اما تا زمانی که این مربی روی نیمکت تیم ملی ایران نشسته باشد، حتی رده‌های ملی مختلف نیز باید برای استفاده از آن از شخص او اجازه بگیرند. ایده ساخت و طراحی پک، ایده بدی نبود اما به شرطی که فدراسیون، قدرت لازم را برای فراهم آوردن شرایط ایده‌آل در این مرکز را داشت و ناچار نبود برای اتمام این پروژه، مقابل مربی تیم ملی‌اش سر تعظیم فرود بیاورد. «فدراسیون بی‌ستاره» با ضعف و انفعال مدیریتی‌اش، کاری کرد که امروز کی‌روش خودش را همه کاره فوتبال ایران بداند و در همه جزئیات، دخالت کند. او درباره مسائلی صحبت می‌کند که ابدا در شرح وظایف یک «سرمربی» نمی‌گنجند و جنگ‌هایی را به راه می‌اندازد که در شرایط فعلی برای تیم ملی فوتبال ایران «سم» هستند. عادت تازه کی‌روش، استفاده از دستیارها برای انجام مصاحبه‌های مدنظر این مربی است. دستیار این مربی اخیرا حمید استیلی را به اشتباه گرفتن تیم ملی با سیرک متهم کرده است. او همچنین نتایج ضعیف تیم ملی امید را به این مربی یادآوری کرده اما لابد از یاد برده که اگر امیدها به میانمار باخته‌اند، زمانی هم تیم کی‌روش با ترکمنستان به تساوی رسیده بود.

شاید تیم ملی واقعا به یک «سیرک» شبیه شده است که اگر این طور نبود، یک بازیکن نمی‌توانست بدون قرار گرفتن نامش در فهرست نفرات حاضر در اردو، به تمرین‌های تیم ملی و حتی عکس تیمی بازیکنان راه پیدا کند. اگر تیم ملی به سیرک شبیه نبود، یک بازیکن جوان نمی‌توانست با ناز و تنعم از بازی‌های ملی خداحافظی کند و بدون حتی یک خط توضیح با خیال آسوده به تیم برگردد و با راه دادن سلبریتی‌های خانم به اردو، با آنها قهوه بنوشد و عکس یادگاری بگیرد! اگر تیم ملی شبیه به سیرک نبود، پیشنهاد بازی‌های دوستانه خوب برای انجام دیدارهای دوستانه با تیم‌های «ضعیف» یک به یک رد نمی‌شدند. کی‌روش شاید برای اولین بار بالاخره «اعتراف» کرده که چرا تیم ملی فقط با تیم‌های بی‌مهره بازی می‌کند. او از یک سو به برنامه تدارکاتی تیم ملی اعتراض دارد و از سوی دیگر، معتقد است حتی بازی با آرژانتین کمکی به عراق نکرده و تنها اعتماد به نفس این تیم را زیر سوال برده است. این شاید صریح‌ترین اعتراف آقای سرمربی باشد. او از شکست در دیدارهای تدارکاتی و از دست دادن رتبه اول رنکینگ آسیا هراس دارد. به گفته خود او «بولیوی» و «ونزوئلا» بسیار «رقابتی» هستند و ایران باید با تیم‌هایی بازی کند که مالکیت توپ را در اختیارش قرار بدهند. اگر ایران برای ساخت ماکتی از دیدار با یمن و ویتنام در جام ملت‌ها تنها باید با تیم‌های ضعیف روبه‌رو شود، چرا در آستانه جام جهانی هم همین حریفان روبه‌روی تیم کی‌روش می‌ایستادند؟ چه کسی در ایران، دیدارهای تدارکاتی را هماهنگ می‌کند؟ مبالغ مربوط به این بازی‌ها، به جیب چه کسی می‌رود؟ آیا این خود سرمربی نیست که ترجیح می‌دهد به جای «فراری» با «پیکان» کورس بگذارد؟

«من چهار جیب دارم. در یک جیب ساختمان پک، در یک جیب لباس‌های تیم ملی، در یک جیب زمین تمرین آکادمی و در جیب دیگر، جام‌ها را با خودم از ایران می‌برم». کی‌روش در این جمله، از کدام جام‌ها حرف می‌زند؟ او در این هشت سال، فاتح چه جامی شده که حالا به کنایه می‌خواهد آن را از ایران ببرد؟ در جیب چهارم آقای مربی، چیزی به جز فدراسیون فوتبال نیست. فدراسیونی که مقابل سرمربی‌اش تسلیم محض است. اگر در گذشته روسای فدراسیون بدون اجازه مربی‌ها یک «لیوان» را هم جابه‌جا نمی‌کردند، در شرایط فعلی مدیران فدراسیون بدون رضایت سرمربی تیم ملی حتی نفس هم نمی‌کشند. کارلوس تا روزی که هست، می‌تواند به این «مالکیت» باور نکردنی ادامه بدهد. می‌تواند برای همه افراد تهمت بزند و دستیارانش را به گفتن جملاتی علیه زننده گل قرن، وادار کند اما میراث واقعی این مربی، نه هیچ ساختمانی، بلکه «نتایج» او هستند. جام ملت‌ها، بخش مهمی از حقایق را در مورد کی‌روش خواهد گفت.

اگر تیم ملی به سیرک شبیه نبود، یک بازیکن جوان نمی‌توانست با ناز و تنعم از بازی‌های ملی خداحافظی کند و بدون حتی یک خط توضیح با خیال آسوده به تیم برگردد و با راه دادن سلبریتی‌های خانم به اردو، با آنها قهوه بنوشد و عکس یادگاری بگیرد

اتفاق روز

صحبت‌های مربی تیم ملی علیه استیلی، جنگ تازه‌ای در فوتبال ایران را رقم زد

دار و دسته آقای کی‌روش

جنگ‌های سریالی کارلوس کی‌روش با اهالی فوتبال ایران کماکان ادامه دارد. جالب اینکه با ورود دستیار مرد پرتغالی، این جنگ‌ها ابعاد جدیدی پیدا کرده و به مراتب جدی‌تر از گذشته دنبال می‌شود. عصر شنبه و دقایقی پس از حمله کارلوس کی‌روش به حمید استیلی برای سفر به روسیه و دیدن جام جهانی(!)، نوبت به میک مک در موت رسید تا وارد ماجرا شود و با جمله‌ای جنجالی به مدیر تیم ملی امید حمله کند. مک در موت در مصاحبه‌ای کوتاه این چنین گفته است: «به نظر می‌رسد آقای استیلی تیم ملی را با سیرک اشتباه گرفته است. اگر شما به دنبال استفاده از خرس برای سیرک هستید بهتر است خرس‌هایی که در میانمار جا گذاشته‌اید را استفاده کنید.»

واکنش همبازی

مصاحبه عجیب درموت که سال گذشته کارنامه‌ای ناامیدکننده در استقلال داشت و با برنامه‌های بدنسازی‌اش به نوعی مقدمات ناکامی و اخراج منصوریان را فراهم کرد، باعث شد تا اهالی فوتبال ایران حمایتی تمام عیار از استیلی داشته باشند. خداداد عزیزی اولین نفری بود که وارد ماجرا شد و از خجالت کی‌روش و دستیارش درآمد. عزیزی که زمانی همبازی استیلی بوده در واکنش به صحبت‌های آقای دستیار گفته است: «استیلی جزو بزرگان فوتبال ایران است و بی‌احترامی به او بی‌احترامی به فوتبال به حساب می‌آید. یک روز می‌گفتند محمد مایلی کهن آن صحبت‌ها را می‌کند و او این طور است یا آن طور. روز بعد دیگری انتقاد کرد و گفت او این طور است یا آن طور. استیلی که دیگر جزو بی‌آزارترین و کم‌حاشیه‌ترین فوتبالیست‌ها و اعضای فوتبال ایران است. او هیچ‌وقت با کسی مشکلی نداشته و ندارد. استیلی کسی بود که درون زمین به اندازه ۶ نفر می‌دوید و زحمت می‌کشید. وقتی فهمیدم او مدیر تیم امید شده بسیار خوشحال شدم چرا که می‌دانم چه تفکرات خوبی دارد. خواهشم این است که چشمان‌مان را به این اتفاق نبندیم. اگر امروز واکنشی نداشته باشیم فردا تدارکات پورتو علیه علی پروین مصاحبه می‌کند و آبدارچی بنفیکا در مورد احمدرضا عابدزاده نظر می‌دهد. دیگر بس است. غیرت ایرانی باید اینجا خودش را نشان بدهد. دستیاری که علیه استیلی صحبت می‌کند چه رزومه‌ای در فوتبال دارد؟ او چه کسی است که از استیلی حرف می‌زند. الان جایی است که همبازی‌های استیلی، علی دایی، عابدزاده، کریم باقری، مهرداد میناوند، مهدی مهدوی کیا، علی کریمی و ... باید در این مورد جبهه بگیرند، اما مطمئن باشید منافع خیلی‌ها اجازه این کار را نمی‌دهد که بخواهند از استیلی حمایت کنند. ما مثلی داریم و می‌گوییم باد از هر طرفی که بوزد به آن سو چهارشاخ می‌زنیم. الان خیلی‌ها این طور هستند به جای اینکه اقدام به حمایت کنند می‌گویند به خاطر منافع‌مان چشم‌پوشی کنیم و چون او دستیار کی‌روش است شاید به ضرر ما شود.»



واکنش مربی

پس از خداداد، محمد مایلی کهن هم وارد ماجرا شد و جواب محکمی به دستیار کی‌روش داد. مربی استیلی در تیم ملی ایران در واکنش به صحبت‌های درموت گفته است: «همه می‌دانند این حرف‌ها، حرف‌های بالاسری شماست. من هم می‌گویم اگر فوتبال ما سیرک نبود امثال شما نمی‌توانستید هشت سال در این مملکت هر کاری دل‌تان می‌خواهید انجام بدهید. آقای کی‌روش درست می‌گوید. اگر فوتبال ایران سیرک نبود نمی‌توانستیم در خدمت ایشان و دستیارش باشیم. در حال حاضر سرمربی تیم ملی بیشتر مواقع نیست و شرایطی را به وجود آورند که کسی حق صحبت در این رابطه نداشته باشد. همه باید در خدمت تیم ملی باشند و سکوت کنند. این شرایطی است که در حال حاضر در آن هستیم. مصاحبه آخر آقای سرمربی به خوبی نشان داد که او چقدر راه را خوب یاد گرفته است. کی‌روش طوری از پک می‌گوید انگار خودش آن را ساخته است. ایشان مهندس یا کارگر ساختمان است که این حرف‌ها را می‌زند؟»

چهره روز

یوگی لوو و تیمش در مرز یک بحران جدی هستند

وضعیت قرمز

تحمل شکست خوردن برابر هلند، حتی اگر در یک تورنمنت مهم اتفاق نیفتاده باشد، هیچ‌وقت برای آلمانی‌ها ساده نبوده است. پس از شکست سنگین سه بر صفر مقابل لاله‌های نارنجی، هلندی‌ها خیلی زود جملات تحقیرآمیز سرمربی حریف را یادآوری کردند: «شرایط ما مثل هلند نیست، چرا که ما به همه جام‌های بزرگ صعود کرده‌ایم!»

لوو در شبی که رکورد نشستن روی نیمکت مانشافت را شکست، شاهد نمایشی بسیار ضعیف از بازیکنانش بود و بعد از مسابقه نیز با انبوهی از واکنش‌های منفی هواداران فوتبال در کشورش روبه‌رو شد.

هوادارانی که به زبان «فارسی سخت»، برخورد تندی نمی‌شناسد. ژرمن‌ها در گل‌زنی با مشکلات بزرگی روبه‌رو هستند و اقتدار قبلی‌شان را از دست داده‌اند. این تیم هنوز نتوانسته از بحران جام جهانی فاصله بگیرد و اگر این نتایج ادامه پیدا کند، شاید برکناری یوگی لوو دیگر یک اتفاق غیرممکن نباشد.

«بازیکنان تیمم به اندازه کافی اعتماد به نفس ندارند». شاید هیچ‌کس تصور نمی‌کرد روزی از راه برسد که در آن سرمربی تیم ملی آلمان از چنین جمله‌ای استفاده کند. مانشافت همیشه الگوی اعتماد به نفس و روحیه بالا بوده و حالا قرار گرفتنش در این وضعیت، کاملا عجیب به نظر می‌رسد. لوو با بازنشسته کردن چند بازیکن سرشناس و بازی گرفتن از یک نسل جوان، به موفقیت‌های بزرگی در آلمان رسید اما حالا که زمان یک تغییر نسل دوباره است، بازیکنان جدید پاسخ مثبتی به این تغییرات نشان نمی‌دهند.

آیا مهره‌های تازه‌وارد تیم ملی به اندازه کافی خوب با کادر فنی تیم ملی خواهند داشت. یوگی در این سال‌ها، نتایج درخشانی با مانشافت به دست آورده است. نایب قهرمانی یورو ۲۰۰۸، سومی جام جهانی ۲۰۱۰ و قهرمانی جام جهانی ۲۰۱۴، نقاط روشن کارنامه موفقیت‌آمیز این مربی هستند اما تیم او این اواخر، مقابل رقبای زیادی تحقیر شده است.

آلمان برای اولین بار در تمام تاریخ، در روسیه جام جهانی را در همان مرحله گروهی ترک کردند. به نظر می‌رسد این تنها یک «اتفاق» است اما تیمی که به کره جنوبی باخته بود، این بار در جدال با هلند هیچ حرفی برای گفتن نداشت. لوو دیگر ترکیب اصلی تیمش را نیستند؟ آیا تاکتیک‌های لوو دیگر جواب نمی‌دهد؟ آیا زمانی برای تغییر حال و هوای تیم ملی آلمان از راه نرسیده است؟ آلمانی‌ها باید خودشان را برای بازی با فرانسه آماده کنند. یک ناکامی دیگر، ممکن است این تیم را به سطح دوم لیگ ملت‌های اروپا بفرستد و این موضوع به هیچ قیمتی برای فوتبال آلمان پذیرفتنی نخواهد بود.

رونالد کومان بعد از پیروزی بزرگ تیمش مقابل ژرمن‌ها، حالا به عنوان شروع‌کننده یک دوران تازه از حیات تیم ملی هلند، خیال همه هواداران فوتبال در این کشور را راحت کرده است اما در آلمان، تردیدها روز به روز بیشتر می‌شوند. نتایج، فقط بخشی از وضعیت مانشافت را روشن می‌کنند. آنها دیگر به خوبی گذشته نیستند و برای رسیدن به شرایط درخشان گذشته، به یک انقلاب بزرگ نیاز دارند. شاید این انقلاب، الزاما به معنای تغییر سرمربی نباشد اما اگر یوگی قصد دارد این انقلاب را رقم بزند، باید از همین حالا تغییرات را شروع کند.